

در مورد اسکناس ها به عنوان یکی از مصادیق غامض مالیت، وجوهی برای اثبات مالیت مستقل و واقعی داشتن آنها ذکر شد، هرچند گفته شد این مالیت مستقله، ذاتی نیست یعنی اگر اعتبار نبود مالیت محقق نمی شد، اما از باب دخل اعتبار به نحو حیث تعلیلیه خود این اسکناس ها مالیت داشتند.

در مقابل، وجوهی هم برای اثبات سندیت و نداشتن مالیت مستقله ذکر شد، اما همه این وجوه محل اشکال بود، یا از این جهت که در برخی از وجوه ادعاهای مطرح شده ادعای صحیحی نبود، یا این که در برخی از وجوه، خصوصیات که از طریق آنها استدلال بر مدعی شده بود لازم اعم بودند و طبعاً وجود این خصوصیات نمی توانست کاشف از سندیت در مقابل مالیت مستقل باشد.

تذکر: آن چه تا به حال محل بحث بود، فقط حیثیت مالیت داشتن در مقابل سند بودن بود، اما احکام دیگری که در مورد اسکناس ها محل بحث و اختلاف است در جای خود مطرح خواهد شد، هرچند به برخی ثمرات در بحث های آینده اشاره خواهد شد اما مقصود اصلی در این بحث، اثبات مالیت مستقله داشتن بود.

مصادیق هفتم غامض مالیت کارت های اعتباری

آیا کارت های اعتباری که از طرف بانک ها یا غیر بانک در اختیار افراد قرار می گیرند بنفسها مال هستند یا این که سند برای مال دیگر هستند؟

بحث کارتهای اعتباری به عنوان یک موضوع مستقل در بحث معاملات مالیه مطرح است. در این موضوع جهات مختلفی جای بحث دارد یکی از آن جهات این است که: آیا کارت اعتباری (بطاقة الائتمان) خودش مال است و مالیت مستقل دارد یا اینکه حیثیت سندیت برای امر دیگری را دارد که آن امر دیگر مال است؟ بحث دیگر این است که در مواردی که با این کارت ها معامله می شود، حقیقتاً چه امری اتفاق می افتد؟ و جهات دیگری از بحث .

آن چه فعلاً محل بحث است این است که آیا این کارت ها مالیت دارند یا سند بر مال دیگر هستند.

با توجه به مراحل که بر کارت های اعتباری گذشته است، می توان آن را به دو قسم تقسیم کرد :

در ابتدا، این کارت ها در همین حد بودند که موسسات و شرکت ها کارت هایی را چاپ و در اختیار مردم می گذاشتند که به وسیله این کارتها فقط اجناس خاصی را می توانستند تحصیل کنند. اما بعد ها با دخالت بانک ها در ایجاد این کارت ها، به این صورت شد که هم اجناس مورد غرض دارنده کارت قابل تحصیل است و هم این که می تواند با آنها پول و اسکناس تحصیل کند. در دوره فعلی، کارت های بانکی، فقط برای تهیه اجناس نیست و پول هم به وسیله آن تحصیل می شود البته ممکن است کارتهای اعتباری ای هم وجود داشته باشد که فقط برای بدست آوردن کالا ها و اعیان خارجی قابل استفاده باشد .

در مورد قسم اول که کارت فقط وسیله تحصیل اجناس خاص است ، با توجه به مباحث سابق در مورد مالیت داشتن تمبر ها یا کوپن ها، که بیان شد : «ضابطه مالیت مستقل این است که برخورد عرف عام به این نحو باشد که برای خود شیء مالیت قائل اند. (ونشانه آن این بود که در صورت از بین رفتن خود شیء جهت صادر کننده تعهدی نسبت به صادر کردن دوباره آن یا اداء مابازاء آن ندارد .)» اگر جهت صادر کننده کارت یا طرف قرارداد جهت صادر کننده که دارنده کارت برای گرفتن کالا به آن مراجعه می کند حتی در صورت تلف شدن کارت (به پاره شدن یا سوختن یا گم شدن) با ارائه شماره و رمز آن کارت ، متعهد به تحویل آن کالا و تأمین غرض دارنده کارت باشند، (بشرط اینکه قبلاً از آن کارت در آن جهت استفاده نشده باشد) در این فرض کارت ها فقط سند برای گرفتن کالاهای مورد نظر می باشند و مال مستقل حساب نمی شوند . اما اگر چنین جهت صادر کننده یا طرف قرار داد آن چنین تعهدی نداشته باشند بلکه در صورت از بین رفتن کارت - هرچند شماره و رمز آن در یاد صاحب آن باشد- هیچ مسئولیتی را قبول نمی کنند، در این فرض بعید نیست که خود کارت مالیت مستقل داشته باشد بخاطر آنکه خود کارت منفعتی پیدا می کند که به خاطر آن منفعت مورد تنافس عقلاء قرار می گیرد مثل کوپنهایی که برای دریافت کالا به اشخاص می دهند البته در مقدار مالیت و قیمت کارت ملاحظه می شود که آیا بصرف ارائه کارت کالای مورد نظر را تحویل می دهند یا در کنار آن باید مبلغی ازپول هم بپردازند مثل کوپن های اخذ کالا ، اگر بصرف ارائه کارت کالا را می پردازند بدون ضمیمه طبعاً قیمت آن کارت تقریباً قیمت همان کالایی می شود که با آن دریافت می کنند (با یک مقدار تفاوت برای زحمت مراجعه به فروشگاه خاص ، و ایستادن در صف و امثال آن) ، اما اگر با ضمیمه کالا را می دهند قیمت کارت بصورت تقریبی قیمت هما کالا است باستثنای مقدار ضمیمه، مثل کوپن ها که اجناسی را با آن می دادند ، تحویل آن اجناس مجانی نبود بلکه با قیمت نازل تری عرضه میشد. در این صورت، مقدار مالیت کوپن، به قدری است که اگر ضمیمه به مبلغ کم

بشود فلان مقدار جنس را با آن می دادند، مثلاً کوپنی که با ضمیمه کردن هزار تومان به آن، جنس پنج هزار تومانی می دهند، طبعاً در حدود چهار هزار تومان قیمت و مالیت دارد (البته ملاحظه مراجعه به فروشگاه خاص و زحمت درصاف قرار گرفتن باعث می شود که کوپن را به مبلغی کمتر از چهار هزار تومان بخرند). بهر حال در این قسم که جهت مصدره و طرف قرارداد آن مسئولیتی در قبال از بین رفتن کارت ندارند از نظر عرف عام عقلاء کارتهای اعتباری مالیت مستقله دارند، چون مقومات و عناصر مالیت در آنها وجود دارد (دارای منفعتی هستند که بلحاظ آن منفعت مورد رغبت و تنافس عقلاء قرار می گیرند بطوری که حاضرند برای تحصیل آن بذل عوض کنند، هر چند منفعت آنها ذاتی و باقطع نظر از اعتبار نبود بلکه با اعتبار پیدا شده ولی دخالت اعتبار در منفعت پیدا کردن و مالیت داشتن آنها در حدّ حیثیت تعلیلیه است نه حیثیت تقییدیه - نظیر دخالتی که در مالیت پولها داشت). این قسم از کارتها مثل کوپنها از آنجائیکه وسیله مبادله کالاها قرار می گیرند دارای منفعت عقلائی شده و مالیت پیدا کرده اند.

اما قسم دوم - کارتهایی که برای گرفتن پول هم استفاده می شود، علاوه بر تهیه کالاها با آنها - در این کارتها در دو مرحله باید بحث شود مرحله اول با توجه به وضعیتی که فعلاً دارند که هنوز پولهای کاغذی از رواج نیفتاده اند، مرحله دوم با توجه به وضعیتی که در آینده ممکن است پیدا کنند که معاملات مردم فقط با کارتها انجام بگیرد بدون اینکه پول کاغذی در بین باشد.

اما مرحله اول - با توجه به وضعیتی که فعلاً دارند - با توجه به اینکه در وضعیت فعلی جهت مصدره متعهد است که در وقت گم شدن و تلف شدن کارتهای بانکی کارت دیگری صادر کند یا اگر کارت دیگری صادر نکرد وجه کارت که در حساب شخص وجود دارد از بین نمی رود بلکه از راه مراجعه مستقیم به بانک قابل برداشت است، این کارتها با شماره و رمزی که دارند سند برای وجهی است که در حساب شخص در بانک وجود دارد نه مال مستقل.

بله قبلاً هم اشاره شد که اگر فرض کنیم کارت بانکی به شخص خاصی داده می شود به طوری که جهت صادر کننده هیچ الزامی در فرض تلف آن ندارند مثل کارت های هدیه، ممکن است بگوییم بنفسه مال هستند چون منفعتی دارد که بالا اعتبار حاصل شده یعنی این منفعت که وسیله تبادل اشیاء است به سبب اعتبار به عنوان حیثیت تعلیلیه پیدا شده است. اما در زمان فعلی، نوع کارت ها حالت سندیت دارند چون جهت مصدره ملزم به پرداخت مابازاء است.

اما مرحله دوم -وضعیتی که ممکن است در آینده برای کارتهای بانکی پیدا شود- یعنی به مرحله ای برسد که دیگر در آن مرحله، پول رد و بدل نشود و اسکناس از دایره مبادلات حذف شود و فقط با کارت ها مبادله انجام شود، در این مرحله پولی وجود ندارد که کارت بانکی را سند برای آن پول قرار دهیم. ولی در این مرحله، باز هم کارت حالت سندیت دارد اما ذوالسند و مرئی به وسیله کارت، مقدار خاص و اعتبار خاص است که از آن تعبیر به توان خرید می شود. یعنی مشار الیه و ذوالسند، می شود حیثیت اعتباریه و این که می تواند با این کارت، اشیاء یا خدماتی را با قیمت معین تحصیل کند. اما اینکه این اعتبار عقلائی مالیت برای قدرت خاص خرید -که وجود فیزیکی ندارد نه ذات عین خارجی است نه وصف آن-مورد امضاء شارع هم قرار می گیرد یا نه ؟ یعنی می توانیم امضاء شارع را نسبت به این اعتبارات مالیه که به نحو مستحدث ایجاد شده احراز کنیم یا نه؟

در چنین مواردی که بناء عقلاء بر امر مستحدثی شکل می گیرد، اثبات امضاء مبتنی است بر بحث صحت استدلال به سیره عقلاء در مسائل مستحدثه. اگر کسی در مسائل مستحدثه قائل شد به این که با بناء عقلاء امضاء شارع را نمی توانیم احراز کنیم، مجرد وجود بناء عقلائی کافی برای ترتیب اثر نخواهد بود. بله اگر موضوع اثر، عین خارجی باشد که در ضمن شیء دارای منفعت ذاتی تجسد پیدا می کند یا شیء دارای منفعت غیر ذاتی مثل پول، آثار بار می شود اما اگر شیئی هیچ تقیدی به عین خارجی ندارد و نزد عقلاء برای آن اعتبار مالیت شده، دلیلی بر امضاء شارع نسبت به این اعتبار وجود ندارد. روی این حساب این با بحث اسکناس ها متفاوت است؛ چون اگر شیء خارجی به خاطر وسیله مبادله شدن، ارزش پیدا کند، این ارزش و مالیت امضاء شده است و روایات درهم و دینار امضاء این جهت است. بله بین پول کاغذی و درهم و دینار این تفاوت وجود دارد که درهم و دینار قیمت ذاتی آن هم مهم بوده در حالی که اسکناس ها قیمت ذاتی آن کم است و لحاظ نمیشود، اما این قلت و کثرت قیمت ذاتی، خصوصیتی ندارد و امضاء شارع در مورد نقد خارجی به طور مطلق استفاده می شود.